

اتفاقی عجیب، اما واقعی در اندونزی انتخابات منجر به مرگ ۲۷۰ کارمند شد

خدیجه علامه زاده

بیش از ۲۷۰ نفر به دلیل کار زیاد در جریان انتخابات در اندونزی جان خود را از دست دادند. ۱۰ روز پس از بزرگ‌ترین انتخابات یک روزه جهان در اندونزی بیش از ۲۷۰ کارمند انتخاباتی که بیشتر شان به دلیل بیماری‌هایی که به سبب خستگی مبتلا شده بودند، پس از ساعت‌ها کار برای شمارش آرا که به صورت دستی انجام می‌گرفت؛ جان خود را از دست دادند. این خبر را یک مقام رسمی اندونزی روز یکشنبه (هشتم اردیبهشت ماه) اعلام کرد.

در انتخابات هفدهم آوریل (۲۸ فروردین ماه) اولین بار بود که کشور ۲۶۰ میلیون نفری اندونزی انتخابات ریاست جمهوری خود را با انتخابات مجلس ملی و محلی ادغام کرد تا هزینه‌ها را در کشور کاهش دهند.

تخمین زده شده است که بیش از ۸۰ درصد از ۱۹۳ میلیون نفری که می‌توانستند رای دهند، در انتخابات شرکت کردند و در پنج صندوق به صورت کاغذی رای ریختند که این صندوق‌ها در ۸۰۰ هزار حوزه انتخاباتی، در نقاط مختلف رای گیری، پراکنده بود.

اما برگزاری یک انتخابات هشت ساعته در کشوری که از غرب به شرق آن بیش از پنج هزار کیلومتر (۳۰۰۰ مایل) فاصله است در کنار این که کار پشتیبانی بسیار عظیمی می‌طلبید، برای کارکنان این انتخابات بسیار مرگبار محسوب شد؛ کارمندانی که مجبور بودند این آرا را به وسیله دست بشمارند.

آر. پرتو سوسنتو، سخنگوی کمیسیون انتخابات عمومی اندونزی، اعلام کرد که تا شنبه ۲۷۲ کارمند انتخاباتی جان خود را از دست دادند که بیشتر شان دچار بیماری‌هایی بودند که ناشی از خستگی بود، در همین حال ۱۸۷۸ نفر دیگر نیز بیمار شدند.



وی در ادامه افزود که وزارت بهداشت، در روز ۲۳ آوریل (سوم اردیبهشت ماه) نامه‌ای را منتشر کرد که از مراکز بهداشتی و درمانی خواست که بیشترین مراقبت را از کارمندان در حین انتخابات انجام دهند. در همین حال وزارت اقتصاد اندونزی در حال نگهداری از خانواده‌های آسیب دیده که اعضای آن جان خود را در حین انتخابات از دست دادند، است.

کمیسیون عمومی انتخابات به دلیل افزایش شمار این مرگ و میر هادر حین انتخابات به شدت تحت فشار است.

احمد مودونی معاون رئیس کمپین حزب مخالف ریاست جمهوری گفته است که انجمن عمومی انتخابات در مدیریت حجم کاری کارمندان مربوط به سنادات انتخاباتی محتاطانه عمل نکرده است و ساعت کاری این کارمندان بیش از ظرفیت کاری و جسمی آن‌ها بوده است.

پرابوو سوبیانتو که بر اساس نظر سنجی‌های مستقل در شمارش اولیه آرا بازنده انتخاباتی سال ۲۰۱۹ انتخاباتی اندونزی معرفی شده، از تقلب‌های گسترده انتخاباتی گفت و کمپین وی مدعی شد که مقامات با دست کاری صندوق‌های رای گیری به سود رقیبش رئیس جمهور کنونی اندونزی جو کوویدو عمل کردند، وزیر امنیت ویدودو اظهار داشت که این اتهامات بی‌اساس است.

جو کوویدو، رئیس جمهور کنونی این کشور از سال ۲۰۱۴ میلادی قدرت را در دست دارد.

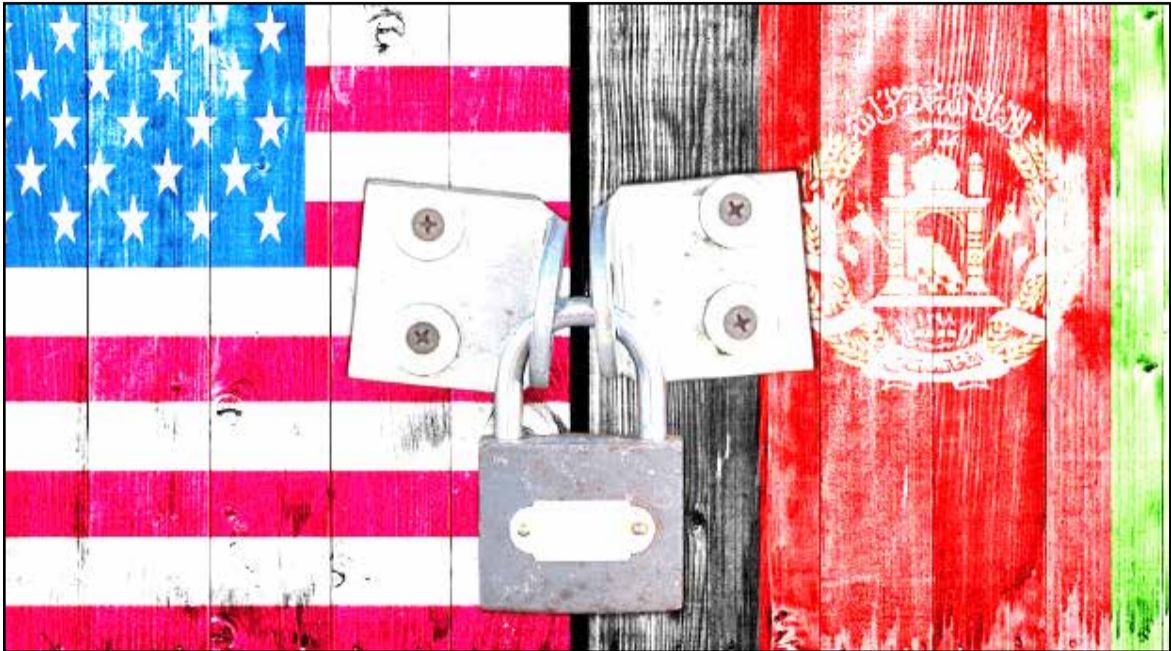
این در حالی است که رقیب اصلی آقای ویدودو ۵۷ ساله که خود را انسانی از جنس مردم می‌خواند، پرابوو سوبیانتو، ژنرال پیشین ارتش است. آقای سوبیانتو با دیدگاه‌های ملی‌گرایانه افراطی، پیش از این در رقابت‌های سال ۲۰۱۴ میلادی نیز از جو کوویدو ویدودو شکست خورده بود.

آخرین نظر سنجی‌ها پیش از برگزاری این انتخابات نیز از پیروزی دوباره جو کوویدو خبر داده بودند؛ با این وجود با توجه به رقابت تنگاتنگ میان دو نامزد اصلی و ارتباط نزدیک پرابوو سوبیانتو بانخبگان سیاسی سنتی این کشور، احتمال رسیدن به نتیجه‌ای متفاوت نیز وجود داشت.

هر دو کاندیدای ریاست جمهوری اعلام پیروزی کردند اما شمارش آرا نشان می‌دهد که ویدودو تنها با اختلاف ۱۰ تا ۹ درصد آرای بیشتر از رقیب خود، برنده انتخابات بوده است.

گزارش «توسعه ایرانی» از دلایل کاهش بی سابقه تعداد دیپلمات‌های آمریکا در افغانستان؛

خروج از کابل به مقصد پکن و مسکو



تمام قدرت (اعم از سیاسی و میدانی) به دنبال آن است که نخست نظامیان ایالات متحده خاک افغانستان را ترک کنند و در مرحله دوم سلاح‌های خود را زمین بگذارند تا آتش‌بس سراسری در افغانستان برقرار شود.

هشدار سرخ برای همسایه‌های افغانستان!

این روند در وضعیت فعلی و پس از برگزاری آخرین دور از مذاکره میان طالبان و آمریکایی‌ها در حوضه قطر تا حد زیادی با بن‌بست‌های خارجی و داخلی روبرو شده است؛ چرا که طالبان دولت وحدت ملی افغانستان را فاقد مشروعیت می‌دانند و این منظر عملیات‌های انفرادی و گروهی طالبان علیه نیروها و مواضع دولت افغانستان همچنان با قدرت تمام ادامه دارد. تا جایی که اخیراً «ذبیح‌الله مجاهد»، سخنگوی طالبان، طی بیانیه‌ای از آغاز دور جدید سلسله عملیات‌های بهاری با عنوان «عملیات الفتح» در سراسر خاک افغانستان و علیه نیروهای دولت وحدت ملی افغانستان و ایالات متحده خبر داده که نشان از مه‌الود بودن آینده مذاکرات صلح دارد.

اما آنچه که در وضعیت فعلی تعجب بسیاری از محافل، شخصیت‌ها و حتی مقامات سیاسی و امنیتی را برانگیخته است، اظهارات اخیر وزیر خارجه ایالات متحده در مورد کاهش تعداد دیپلمات‌های آمریکا در افغانستان است؛ امکان است این اظهارات در نمای شکی کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت باشد، اما چندان نکته بسیار مهم در بطن این راهبرد وجود دارد:

۱- هم‌اکنون تعداد دیپلمات‌های موجود در سفارت آمریکا واقع در کابل حدود ۱۵۰۰ نفر است که این تعداد نشان از اهمیت افغانستان برای ایالات متحده در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. از اینرو کاهش این مقدار دیپلمات و تقلیل آن به نصف، نشان از چرخش سیاست ایالات متحده در پرونده افغانستان دارد.

۲- بر اساس مستندات و اظهارات سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، سیاست دولت ترامپ از جنگ با

تروریسم به رقابت با قدرت‌های بزرگ (نظیر چین و روسیه) تغییر یافته است. این بدان معناست که بخش اعظمی از دیپلمات‌های مذکور به چین یا روسیه اعزام خواهند شد که محورهایی مانند اقتصاد، امنیت و روابط تجاری در دستور کار آنها قرار خواهد گرفت. ضمن آنکه ترامپ در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ به یک بزرگنمایی جدید در سیاست خارجی خود نیاز دارد؛ ولو

پاکستان را تا حد زیادی در بازی و معادله‌های منطقه‌ای خود دخیل می‌کند، اما ترامپ نه تنها آخرین کمک مالی ۳۰۰ میلیون دلاری خود به پاکستان را قطع کرد بلکه در روند مذاکره با طالبان هم شرکت اسلام‌آباد در این پرونده را به حداقل رساند. این بدان معناست که جمهوریخواهان هم در فضای توریک و هم در مقیاس عملیاتی، نسخه‌ای کاملاً متفاوت از دموکرات‌ها برای افغانستان تجویز کرده‌اند.

طالبان محور کنشگری سیاسی - امنیتی آمریکا

یکی از دلایلی که می‌تواند تفاوت میان سیاست دموکرات‌ها و جمهوریخواهان در مورد پرونده افغانستان را به اثبات برساند، سنجش مدل روبرویی دولت اوپاما و ترامپ با طالبان است. اوپاما و تیم معتقد بودند که مذاکره با طالبان زمانی میسر خواهد بود که این جریان بومی افغانستان تا حد زیادی تضعیف و در نهایت مجبور به نشستن پای میز مذاکره شود؛ اما در دولت ترامپ این روند به گونه‌ای دیگر تعریف شده است. باید بپذیریم که رویکرد ترامپ در عرصه سیاسی و انواع و اقسام مدل‌های اقتصادی آمیخته شده و این موضوع ریشه در نگاه اقتصادی او دارد. ترامپ در بسیاری از موارد (خصوصاً پرونده سوریه) معتقد به «تجاری‌سازی امنیت» است، اما روی دیگر سکه او را تیرهای بزرگ رسانه‌ای تشکیل می‌دهد؛ به عنوان نمونه در پرونده کره شمالی و بر اساس داده‌های رسانه‌ای موجود همچنین به استناد نقل قول‌هایی که از نزدیکان وی در مطبوعات آمریکا منتشر شده، اولین

بخش مذکور به خوبی می‌توانست از به وجود آمدن افغانستان واحد جلوگیری کند و این به معنای چند شاخه شدن سیاست ایالات متحده در کابل تلقی می‌شد.

بدون تردید راهبرد دولت اوپاما در افغانستان با راهبرد فعلی دولت ترامپ، نه تنها از منظر شکلی بسیار متفاوت است؛ بلکه از حیث ماهوی هم میان استراتژی دو دولت در مورد افغانستان تفاوت‌های بسیار فاحش وجود دارد. به عنوان مثال دولت اوپاما بر حضور تمام قد نیروهای نظامی خود در افغانستان تأکید داشت اما جمهوریخواهان حاکم بر کاخ سفید معتقدند که تعداد

نیروهای نظامی ایالات متحده در افغانستان باید کاهش یابد و از این رو شاهد ایلان استراتژی جدید ترامپ در جنوب آسیا بودیم. این تفاوت‌ها تیرهای اینجاست نمی‌شود بلکه در کوچکترین مسائل نظامی هم می‌توان این روند را به چشم‌نظره گرفت. در دولت اوپاما بخش اعظمی از حملات که علیه طالبان یا سایر گروه‌های بنیادگرای رادیکال صورت می‌گرفت، غالباً با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین عملیاتی می‌شد، اما در دولت ترامپ تمرکز بر رصداوضاع و در نهایت اقدام‌های تیمی و زمینی است.

این تفاوت دیدگاه و عملکرد تنها در مسائل میدانی و نظامی خلاصه نمی‌شود بلکه در مورد اوضاع و احوال سیاسی هم نمونه‌ها و مصادیق زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد عملکرد دو دور نمای دولت اوپاما و ترامپ در حوزه روابط دو جانبه و استراتژی منطقه‌ای (جنوب آسیا) با یکدیگر متفاوت است. تا جایی که دولت اوپاما در این حوزه

پرونده صلح افغانستان اگر چه پس از برگزاری نشست‌های رو در رو میان طالبان و ایالات متحده وارد مرحله جدیدی از حیات خود شده، اما بروز و ظهور اختلاف‌ها میان دو طرف باعث شده تا محقق شدن صلح در سراسر خاک همسایه شرقی ایران با موانعی روبرو شود و در نهایت شاهد خلق بن‌بست مقطعی در این پرونده هستیم.

واقعیت این است که ایالات متحده با گذشت نزدیک به ۱۸ سال از ورود نظامی خود به افغانستان، آنگونه که انتظار می‌رفت نتوانسته اوضاع میدانی را به نفع خود رقم بزاند اما در مورد محور

سیاسی مولفه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد واشنگتن با طرح‌ریزی سناریوی «تکنیکر احزاب» توانست دولت وحدت ملی افغانستان را به نفع خود وارد آگ کند. اگر کمی به عقب برگردیم و لایه‌های خاکستری انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ را کالبدشکافی کنیم به وضوح می‌بینیم که در آن زمان جان کری (وزیر خارجه وقت آمریکا) با طرح یک راهبرد سیاسی مشخص و ابلاغ آن به سفارت آمریکا در کابل به دنبال تعدد احزاب سیاسی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری این کشور بود تا از این طریق در وهله اول بتواند مانع از قدرت گرفتن احزاب جهادی (متشکل از جریان‌های سیاسی و قومی افغانستان که در جهاد علیه شوروی مشارکت داشتند) شود و در بخش دوم دولت وحدت ملی افغانستان را به دو بخش سیاست‌گذاری و اجرایی تقسیم کند. طبیعی است که تقسیم دولت به دو

فرشاد کلزاری

پرونده صلح افغانستان اگر چه پس از برگزاری نشست‌های رو در رو میان طالبان و ایالات متحده وارد مرحله جدیدی از حیات خود شده، اما بروز و ظهور اختلاف‌ها میان دو طرف باعث شده تا محقق شدن صلح در سراسر خاک همسایه شرقی ایران با موانعی روبرو شود و در نهایت شاهد خلق بن‌بست مقطعی در این پرونده هستیم. واقعیت این است که ایالات متحده با گذشت نزدیک به ۱۸ سال از ورود نظامی خود به افغانستان، آنگونه که انتظار می‌رفت نتوانسته اوضاع میدانی را به نفع خود رقم بزاند اما در مورد محور سیاسی مولفه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد واشنگتن با طرح‌ریزی سناریوی «تکنیکر احزاب» توانست دولت وحدت ملی افغانستان را به نفع خود وارد آگ کند. اگر کمی به عقب برگردیم و لایه‌های خاکستری انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ را کالبدشکافی کنیم به وضوح می‌بینیم که در آن زمان جان کری (وزیر خارجه وقت آمریکا) با طرح یک راهبرد سیاسی مشخص و ابلاغ آن به سفارت آمریکا در کابل به دنبال تعدد احزاب سیاسی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری این کشور بود تا از این طریق در وهله اول بتواند مانع از قدرت گرفتن احزاب جهادی (متشکل از جریان‌های سیاسی و قومی افغانستان که در جهاد علیه شوروی مشارکت داشتند) شود و در بخش دوم دولت وحدت ملی افغانستان را به دو بخش سیاست‌گذاری و اجرایی تقسیم کند. طبیعی است که تقسیم دولت به دو

کاهش یکباره تعداد دیپلمات‌های ایالات متحده در افغانستان به نوعی به تقابل واشنگتن با روسیه و چین بر می‌گردد، اما باید متوجه بود که این روند به راحتی می‌تواند بر پرونده صلح افغانستان تأثیر بگذارد که اتفاقاً تقویت طالبان از حیث سیاسی و میدانی را محقق می‌کند

آنکه نتیجه‌اش در کوتاه مدت مثبت و ثابت نباشد.

۳- تقلیل دیپلمات‌های آمریکا در کابل بدون تردید بر مذاکرات صلح و مسائل امنیتی افغانستان و جنوب آسیا تأثیر مستقیم خواهد گذاشت و این روند می‌تواند امنیت منطقه را دستخوش تغییر کند. یکی از احتمالات خیزش و تقویت داعش افغانستان (ولایت خراسان) و سرایت آن به تاجیکستان، چین، روسیه و بسیاری از جمهوری‌های جدا شده از شوروی سابق است. تا جایی که اخیراً سلسله عملیات‌های انتحاری داعش در سریلانکا هم به خوبی نشان می‌دهد که این تشکیلات تروریستی توانسته در جنوب آسیا و محیط اقیانوس هند رخنه یا حداقل اقدام به عضوگیری کند.

۴- کم شدن دیپلمات می‌تواند تا حدودی بر تقویت طالبان و بایکوت مذاکرات صلح دامن بزند. هم‌اکنون که نیروهای نظامی و دیپلمات‌های آمریکا در افغانستان تا به این حد حضور دارند، طالبان دست از عملیات‌های گاه و بیگاه بر نمی‌دارد؛ حال تصور کنید که این حجم کاهش پیدا کند! خروجی آن کاملاً مشخص است، بی‌ثباتی و تشدید بهم ریختگی در افغانستان که بدون شک ایجاد فضای مناسب برای زیستن و به وجود آمدن سایر جریان‌های تروریستی را فراهم خواهد کرد.

به هر ترتیب مجموع مولفه‌های میدانی و سیاسی نشان می‌دهد که باید شاهد تشدید منازعه سیاسی میان آمریکا با روسیه و چین از حیث سیاسی و اقتصادی باشیم و از سوی دیگر روندهای جاری در افغانستان (سیاسی و میدانی) نشان از افق روشن و باثبات ندارد؛ بلکه هر لحظه نه تنها احتمال از گون شدن مذاکرات صلح وجود دارد، بلکه تبعات امنیتی و میدانی آن هم غیرقابل سنجش است.



مولر از تباط احتمالی کمپین ترامپ با روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ عنوان شده بود. در گزارش آمده است که عواملی از جانب روسیه در تلاش بودند به دونالد ترامپ برای شکست دادن هیلاری کلینتون در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ کمک کنند.

تبلغ فیس بوک چسبیده‌ایم. این ادعاهای کوشنر البته از سوی اکثر رسانه‌های آمریکایی و جهان به استهزا گرفته شد و کسی برای حرف‌های وی ارزشی قائل نشد. در تحقیقات ۴۰۰ صفحه‌ای رابرت

پیش‌تر، جرد کوشنر، داماد ترامپ، در جریان یک سخنرانی عمومی ضمن پذیرفتن مداخله روس‌ها در روند انتخابات سال ۲۰۱۶، آن را کم‌اهمیت دانست و گفت که اعتبار پیروزی دونالد ترامپ در این انتخابات صرفاً به دلیل کمپین انتخاباتی وی است. وی گفته بود که با نگاه به آنچه که روسیه در انتخابات انجام داد، می‌دانیم که تبلیغات در شبکه اجتماعی فیس‌بوک را خریداری کرد تا با استفاده از آن برای ایجاد بذل اختلاف تلاش کند و در این مسیر موفق شد که بسیار وحشتناک است. کوشنر البته عنوان کرد که از نظر من تحقیقات رابرت مولر در این زمینه و گمانه‌زنی‌هایی که در طول دو سال گذشته شکل گرفت، تأثیر بسیار ناگوارتری را بر دموکراسی کشور اعمال کرد و ما به چند

کلینتون، نامزد انتخاباتی سال ۲۰۱۶ آمریکا به کاندیداهای سال ۲۰۲۰ هشدار داد که با چشمان باز پیش بروند. وی افزود: شاید شما از ته قلبتان کار کنید، شاید شما کاندیدی بر تر باشید، اما همچنان عواملی وجود دارند که ممکن است یک انتخابات قانونمند را زیر سوال ببرند. کلینتون همچنین در مورد اینکه چطور روسیه در روند انتخابات مداخله کرد، نظر داد و اشکال آن را به صورت مداخله در شبکه‌های اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین شیوه و نیز تقلب‌های عمیق ربات‌ها و تروپ‌های اینترنتی بر شمرد. وی با بیان اینکه مردم نمی‌دانند این مداخلات چه تأثیر عمیقی در انتخابات سال ۲۰۱۶ داشت گفت: من نمی‌دانم که چطور باید با این عوامل جنگید.

هشدار هیلاری کلینتون به نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری؛ مراقب دخالت روس‌ها باشید

سنا سزبان

هیلاری کلینتون، پیش از انتخابات ۲۰۲۰ ریاست جمهوری آمریکا، در ادامه یادداشتی که هفته گذشته در سرمقاله روزنامه واشنگتن پست نوشت، به نامزدهای دموکرات هشدار داد که مراقب انواع مداخلات در روند انتخابات پیش رو باشند.

کلینتون در جریان مراسم با عنوان «یک بعد از ظهر با کلینتون‌ها» که روز شنبه عصر (هفتم اردیبهشت ماه) در واشنگتن دی‌سی برگزار شد، گفت: همه می‌دانیم که با توجه به گزارش مولر در مورد دخالت نظام‌مند و همه‌گیر در انتخابات گذشته، دخالت‌ها ادامه دارد.

وی افزود: همه می‌دانیم که این موضوع اتفاق افتاده و قرار است باز هم اتفاق بیافتد.